

نیروی قدس

برسازی استراتژیک ایران

نویسنده: امیرحامد آزاد



تهران - اسفند ۱۳۹۵

سرشناسه	: آزاد، امیرحامد، ۱۳۵۸.
عنوان و نام پدیدآور	: نیروی قدس؛ برسازی استراتژیک ایران / امیرحامد آزاد.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵.
مشخصات فیزی	: ۱۷۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۳۸-۰۶-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: ف. ا.
موضوع	: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. نیروی قدس
موضوع	: نیروهای مسلح
موضوع	: Armed Forces
رده‌بندی کنگره	: ۱۹۵، ۴ آ س ۱۵۹۱ DSR
رده‌بندی دیویی	: ۱۵۵/۰۸۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۰۱۰۶۷

www.asnoor.ir
Email: info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

نام کتاب: نیروی قدس؛ برسازی استراتژیک ایران

نویسنده: امیرحامد آزاد

ویراستار: مجتبی بهرامی

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان

طراح جلد: جواد حسین‌خانی

چاپ و صحافی: نقش رنگ خجستگان

نوبت چاپ: اول - اسفند ۱۳۹۵

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

سخن ناشر

شکل‌گیری نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با تشدید مداخلات نظامی آمریکا در منطقه هم‌زمان شد. پس از آنکه صدام حسین در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ (۲ آگوست ۱۹۹۰) کویت را به تصرف خود در آورد، آمریکا به منظور بازسازی محوریت خود در تحولات جهانی و به‌حمایت گذاشتن آن در شرایط فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - که نشانه‌های آن بروز کرده بود - عملیات خود را بعد از آگوست ۱۹۹۱ محقق شد - حمله عراق به کویت را بهانه قرار داد و با تکمیل برنامه ۲۶ دی ماه شورای امنیت سازمان ملل، یک «اتلاف عملیاتی بین‌المللی» تشکیل داد.

اتلاف آمریکا ترکیبی از ۳۵ کشور بود که البته تنها نیمی از آن کشورها موضوعیت داشتند. کشورهای عضو اصلی اتلاف شامل آمریکا و کانادا از قاره آمریکا، انگلیس، فرانسه و اسپانیا از قاره اروپا، مصر از قاره آسیا و ترکیه، عربستان و پاکستان از قاره آسیا بودند. تعداد نیرو و مجموعه امکانات نظامی که در این مواجهه به کار گرفته شد، بیانگر آن است که آمریکایی‌ها در نظر داشتند عملیات بازسازی کویت را به عملیات اقتدار خود تبدیل کنند و از این طریق موانع را از سر راه سیطره منطقه آمریکا بر جهان بردارند؛ چنان‌که در همان سال، جرج بوش اول در اظهارنظری بر روی عرشه ناو آمریکایی در اقیانوس هند، از در پیش بودن قرنی آمریکایی خبر داد.

ایالات متحده برای به دست آوردن یک «موفقیت شگرف»، همه ظرفیت‌های نظامی خود را به کار گرفت. در این بین رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ باعث برجسته کردن مسئله تروریسم در سیاست خارجی آمریکا شد. پس از آن، آمریکا به بهانه مبارزه با تروریسم، به افغانستان و عراق لشکرکشی کرد و در کنار مرزهای شرقی و غربی ایران مستقر شد. به این ترتیب، اقدامات جرج بوش اول برای شکل دادن به قرنی آمریکایی، در دوره بوش دوم و حتی باراک اوباما نیز دنبال شد. این امر نشان می‌دهد که سیطره بر جهان و تک‌قطبی کردن آن، یک تصمیم همه‌جانبه در آمریکا بوده است. در این میان اوباما هم که

با ادبیات انتقادی نسبت به وضعیت دهه ۲۰۰۰ روی کار آمد و سیاست‌های دوره بوش را به باد انتقادات تند گرفت، این خط اصلی را رها نکرد. او در دومین مراسم تحلیف خود در اول بهمن ۱۳۹۱ (۲۱ ژانویه ۲۰۱۳) از بی‌مرز بودن آمریکا و ظرفیت بی‌انتهای آن برای خطر کردن خبر داد و گفت که نیروهای نظامی آمریکا در جهان، رقیب و هموردی ندارند و آمریکا قصد دارد نهادهایش را برای افزایش ظرفیت و اداره بحران‌ها در فرامرزها گسترش دهد.

به این ترتیب، لشکرکشی آمریکا به افغانستان و عراق و شکل‌دهی به ائتلافی جهانی و منطقه‌ای و نوع ادبیاتی که آمریکایی‌ها به کار می‌گرفتند، تهدید مهمی برای جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آمد؛ زیرا ر آن مقطع، ایران تنها مانع مهم سیطره مطلق آمریکا محسوب می‌شد و این لشکرکشی آمریکا به معنای گستره تهدید در جنوب و غرب ایران بود.

اگرچه این موضوع در ایران با نگرانی‌هایی همراه شد، اما تحولات بعدی و مدیریتی که جمهوری اسلامی در تحولات افغانستان و عراق در پیش گرفت و به سایر حوزه‌ها و مناطق نیز تسری داد، شرایط موجود را کلام دگرگون کرد. آنچه باعث برجسته‌شدن نقش مدیریتی ایران در تحولات جاری شد، رد نیروی قدس به روند مدیریت بحران‌ها بود. به نحوی که شکل‌گیری نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را می‌توان ابتکار عمل استراتژیک جمهوری اسلامی به حساب آورد زیرا پیروم قدس در طول سال‌های فعالیت خود، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در مقابله جهان اسلام با ده مقوا اشغالگری و تروریسم داشته است. آزاد شدن لبنان از اشغال رژیم صهیونیستی، آزادی عراق، شکست رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه، ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه، دار کردن آمریکا به انعقاد قرارداد با دولت عراق و عملی شدن خروج نظامی غرب از عراق، شکست پروژه «تروریسم تحت‌الحمايه» در دو کشور سوریه و عراق، بخشی از موفقیت‌های بزرگ نیروی قدس به حساب می‌آیند.

موفقیت‌های نیروی قدس در حوزه فرامرزی به این موارد محدود نمی‌شود و به قاره‌های آفریقا، اروپا و آمریکای لاتین نیز امتداد می‌یابد. این امتداد ژئواستراتژیک نیروی قدس در سراسر جهان باعث شده که آمریکایی‌ها در بسیاری از الگوها و راهبردهای درازمدت خود تجدیدنظر کنند. با توجه به اهمیتی که فعالیت‌ها و اقدامات نیروی قدس در منطقه و سراسر جهان داشته و تأثیراتی که بر راهبردهای سیاست خارجی آمریکا

گذاشته، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور اقدام به انتشار کتابی با عنوان «نیروی قدس؛ برسازی استراتژیک ایران» کرده است. این کتاب نشان می‌دهد که چگونه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ضمن خنثی‌سازی راهبردهای آمریکا، موفق به عقب راندن نیروهای نظامی آمریکا و وادار کردن کاخ سفید به تجدیدنظر در سیاست‌های نظامی و امنیتی خود شده است. این امر نه تنها شکستی بزرگ برای آمریکا به حساب می‌آید، بلکه به برسازی استراتژیک ایران در منطقه و جهان نیز منجر شده است.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

اسفند ۱۳۹۵

www.ketab.ir

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۵	فصل اول: مأموریت و مفاهیم
۱۷	نیروی قدس و «مأموریت سوم»
۲۶	مأموریت سوم، مفهوم مرکز نقل
۲۹	مفهوم مرکز نقل در دکترین ارتش ایالات متحده آمریکا
۳۶	ارزیابی انطباقی (۱) عملیات سکوس در نیروی قدس
۳۹	فصل دوم: پهنه عملیات
۴۱	تناسب و مقتضیات و عملیات اثراترکز در نیروی قدس
۴۳	۸ در برابر ۱ + ۷
۵۲	۶ مرکز فرماندهی + منطقه مرکزی
۵۷	انتقال به مناطق نارنجی و قرمز (حلقه ۱)
۶۵	ارزیابی انطباقی (۲): نیروی قدس و عملیات استارک دوگانه
۶۹	فصل سوم: الگوهای منعطف
۷۱	نیروی قدس و جنگ نیابتی
۷۶	نیروی قدس و تغییر روابط در الگوی پارتیزان
۸۳	انصارالله و الگوی حزبالله لبنان در یمن
۹۲	نیروی سوم در عراق
۹۷	قطب‌سازی در سوریه
۱۰۲	ارزیابی انطباقی (۳): شبکه متمرکز نیروی قدس در نسل چهارم جنگ
۱۰۵	فصل چهارم: رو به آینده
۱۰۷	به سوی نیمکره غربی
۱۲۸	جایگاه داعش و القاعده در تاکتیک‌های آینده
۱۳۱	حمله ایمانی و خلأ قدرت بعد از ۲۰۰۳
۱۳۵	مرکز نقل خلافت در عراق و راهروی مرکزی سوریه
۱۳۸	داعش و رژیم صهیونیستی

- ۱۴۱ فرصت‌ها و چالش‌های استراتژی دوستونی القاعده
- ۱۴۵ ارزیابی انطباقی (۴): گسترش در مناطق سیاه و قرمز
- ۱۵۱ نتیجه‌گیری
- ۱۵۹ منابع و مآخذ

مقدمه

نیروی قدس، نام رازآلودی است که طی دهه گذشته جایگاه ویژه‌ای در ادبیات استراتژیک و رسانه‌ای - محاوره‌ای در سراسر جهان یافته است. نیروی قدس قبل از سال ۲۰۱۱ و پیش از آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه و پس از آن عراق، در گزارش‌های نوبه‌ای نهادهای پایه، خگو در آمریکا، نامی پُرآوازه بود که بخش مهمی از چالش امنیت ملکی ایالات متحده، با جریان انقلاب اسلامی را تشکیل می‌داد. به عنوان مثال، وزارت خزانه‌داری آمریکا در ۳ آبان ۱۳۸۶ (۲۵ اکتبر ۲۰۰۷) نام نیروی قدس و سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده این نهاد را براساس فرمان اجرایی ۱۳۲۲۴ در فهرست تحریم قرار داد. وزارت خزانه‌داری در «تزار برک»^۱ مربوط به این تحریم، نیروی قدس را شاخه خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، «نیروی نظامی پیشتاز» در ایران معرفی کرد که از سازمان‌های طالبان، حزب‌الله لبنان، حماس، جهاد اسلامی فلسطین و جبهه آزادی‌بخش خلق فلسطین، شاخه فرماندهی کل حمایت‌ها و تسلیحاتی می‌کند. این گزاره‌برگ مدعی بود نیروی قدس از سال ۲۰۰۶، با ارائه تسلیحاتی نظیر راکت‌های ۱۰۷ میلیمتری و بسته‌های انفجاری پلاستیکی برای حمله به نیروهای آمریکایی و ناتو در افغانستان به طالبان کمک کرده است. این سند علاوه بر ذکر اختصاص میلیون‌ها دلار کمک‌های مالی سال ۲۰۰۵ به فعالیت‌های حماس و کمک‌های تسلیحاتی به شیعیان شیعه در عراق برای حمله به نیروهای ائتلاف، سابقه طولانی نیروی قدس در حمایت‌ها، تبلیغاتی، اطلاعاتی، تسلیحاتی و پشتیبانی لجستیکی از حزب‌الله لبنان را متذکر شد و تصریح کرد که شاخه خارجی سپاه پاسداران، بودجه‌ای بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار برای حمایت از حزب‌الله اختصاص داده و حداقل استعدادی معادل سه هزار نفر از نیروهای این سازمان را در اردوگاه‌های دره بقاع و داخل خاک ایران آموزش داده است.^۲

۱. Fact Sheet

۲. Fact Sheet: Designation of Iranian Entities and Individuals for Proliferation Activities and Support for Terrorism, U.S. Department Of The Treasury, ۲۰۰۷.

از سال ۲۰۰۷، قرار دادن نام فرماندهان منتسب به نیروی قدس در فهرست تحریم از سوی ایالات متحده، به یک روال عادی در روند اداری آمریکا تبدیل شد. با آغاز بحران و جنگ داخلی در سوریه و عراق، نام نیروی قدس از لابلای اسناد دولتی و گزارش‌های استراتژیک به طور برجسته‌ای در رسانه‌ها مطرح شد و افکار عمومی را مخاطب قرار داد.

وزارت خزانهداری آمریکا از شناسایی ۱۱۷ پرواز عملیاتی توسط شرکت‌های ماهان، ایران‌ایر و یاس خبر داد که تا ۲۹ شهریور ۱۳۹۱ (۱۹ سپتامبر ۲۰۱۲) - حدود یک سال بعد از آغاز بحران سوریه - در انتقال سلاح و پشتیبانی لجستیک در سوریه به نیروی قدس کمک کرده به ^۱ وجود این از اواسط سال ۲۰۱۵ و به موازات افزایش پیچیدگی میدان نبرد در سوریه، نام نیروی قدس به واسطه شهادت مدافع حرم وارد ادبیات رسانه‌ای و محاوره‌ای شد. سیدمحمدعلی شهیدی محلاتی، رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران، تعداد شهادت ایرانی مدافع حرم را تا تاریخ ۲ ذی ۱۳۹۵ بیش از هزار نفر اعلام کرده بود که ۲۲/۵٪ از شهادت غیر سوری محور مقاومت در این کشور را تشکیل می‌داد.

این روند، فراگیر شدن ادبیات به این مفهوم را به دنبال داشت که نیروی قدس به عنوان شاخه برون‌مرزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، شبکه‌ای از نیروهای فراملی را در منطقه طراحی و راهاندازی کرده است. سرلشکر شهید حسین همدانی، فرمانده سابق سپاه محمد رسول‌الله (ص) و از مستشاران فعال در بنیاد شهید و امور ایثارگران سوریه برای عبور از بحران اشاره کرده و گفته بود: «راهبر امنیتی و مقاومتی، جدی‌ترین راهبردی بود که پیش رفت و تحرک و آموزش ارتش نیز یکی از راهبردهای بعدی اجرا شد. با اجرای راهبردهای مد نظر، دفاع وطنی در ۱۴ استان سوریه شکل گرفت. صددردستان‌های سوریه نیز در اختیار نیروهای مسلح بود که با مدد از بسیاری از آنها از مناطق شهری خارج شدند. چهل و دو گروه و ۱۲۸ گردان متشکل از ۷۰ هزار جوان اسلامی، علوی، سنی و شیعه در قالب بسیج وطنی تشکیل شد که امنیت شهرها و استان‌های سوریه را در دست گرفتند».^۲

۱. Treasury Designates Syrian Entity, Others Involved in Arms and Communications Procurement Networks and Identifies Blocked Iranian Aircraft, U.S. Department Of The Treasury, ۲۰۱۲.

۲. محمدعلی شهیدی محلاتی، تعداد شهادت مدافع حرم در کشور از یک‌هزار شهید فراتر رفت، تسنیم، ۱۳۹۵.

۳. حسین همدانی، نظام سوریه از خطر سقوط خارج شده است، ۱۳۹۳.

طی سال‌های بعد از ۲۰۱۱، نمایش تردد فرمانده نیروی قدس در عراق و سوریه به یکی از صحنه‌های عادی در رسانه‌های جمعی تبدیل شد. این روند تا جایی برجسته شد که بخشی از گزارش دبیرکل وقت سازمان ملل متحد به شورای امنیت را که روز ۲۲ تیر ۱۳۹۵ (۱۲ جولای ۲۰۱۶) منتشر شده بود، به خود اختصاص داد. این گزارش به نحوه اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت درباره توافق جامع (برجام) و برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اختصاص داشت که روز ۲۹ تیر ۱۳۹۴ (۲۰ جولای ۲۰۱۵) صادر شده بود. در پاراگراف ۶ (E) از ضمیمه B در این قطعنامه به نام عده‌ای از فرماندهان نیروی قدس از جمله سرلشکر سلیمانی اشاره شده بود که شورای امنیت از کشورها خواسته بود از ورود و تردد آنان به هر دلیلی جلوگیری کنند.^۱ بر این اساس دبیرکل در بند ۳۷ گزارش خود به سفر سرلشکر سلیمانی به عراق و حضور در اتاق عملیات فلوجه، طهاران، وزارت خارجه درباره حضور مستشاران نظامی ایران در عراق تحت فرماندهی سرلشکر سلیمانی و اظهارات وزیر خارجه عراق به نقش مستشاری فرمانده نیروی قدس در این کشور اشاره کرده و گزارش خود را به تصاویری از حضور وی مستند ساخته بود.^۲

سازمانی که تا این حد در کانون توجه بین‌المللی قرار گرفته و یکی از بخش‌های مهم در بزرگ‌ترین پرونده تاریخ ایران در سازمان ملل را به خود اختصاص داده، قطعاً از ویژگی‌های مهم و استراتژیکی برخوردار است که دایره آن فراتر از کمک‌های مستشاری و لجستیک در کشورهای همسایه یا حاذق در بخش‌هایی از غرب آسیا و شبه‌قاره هند است. تمرکز ویژه نهادهای ایالات متحده و سایر آنها نهادهای بین‌المللی بر نیروی قدس که شاهد آن صدها صفحه سند مکتوب منتشر شده درباره این نهاد است، حکایت از نقش برجسته نیروی قدس و اثرگذاری عملکرد آن بر منافع بازیگران دیگر دارد. شواهد عینی نشان می‌دهد که نیروی قدس به عنوان بازوی اعمال قدرت انقلابی، الگوی اعمال قدرت را به واسطه مداخله ایدئولوژی سیاسی فراملی تغییر داده و احساس ناامنی شدیدی برای طرفداران حفظ وضع موجود ایجاد کرده است. از سوی

۱. The List established and maintained pursuant to Security Council res. ۲۲۳۱ (۲۰۱۵), United Nations, Security Council, ۲۰۱۷.

۲. Report of the Secretary-General on the implementation of Security Council resolution ۲۲۳۱ (۲۰۱۵), United Nations, Security Council, ۲۰۱۶, ۱۲.

دیگر تعارض بنیادین با آمریکا و رژیم صهیونیستی از مسائلی است که باعث تقویت کشمکش قدرت در آینده خواهد شد و بُعد تهدیدآمیز ایدئولوژیک را به کشمکش معمولی قدرت نظامی و اقتصادی خواهد افزود. نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مصادیق سازمان، شخصیت و مالکیت را در قالب یک هیئت در اختیار دارد و در صورت در اختیار داشتن و استفاده متوازن ابزارهای سه گانه اعمال قدرت، قادر به اعمال حداکثر زور خواهد بود که نیروی قدس یکی از ابزارهای اعمال آن محسوب می شود. بنابراین جایگاه ویژه نیروی قدس و انکارناپذیری چالش های آینده جمهوری اسلامی ایران در محیط بین المللی، شناخت ویژگی های ساختاری این نهاد رازآلود و تبدیل آنها به روندهای علمی و ادبیات استراتژیک را ضروری می سازد.

شناخت ماهیت مأموریت و مفاهیم در نیروی قدس و نقش آن در مرکز ثقل قدرت جمهوری اسلامی ایران، از موارد این نهاد پیشتاز نظامی بر مرکز ثقل قدرت ایالات متحده، چگونگی و ماهیت اثرگذار، پهن عملیاتی سازمان، چگونگی انجام عملیات استراتژیک در نیروی قدس، مراکز فرماندهی، فرایند "تقا"، الگوهای منعطف عملکرد در جنگ نیابتی، روابط در الگوی پارتیزان و الگوهای محصور، نقش قطب سازی نظامی در مناطق جغرافیایی خاص، قدرت شبکه سازی متمرکز در نسل "چهارم جنگ"، گسترش در مناطق و مهم تر از همه نقش نیروی قدس در آناتومی قدرت جمهوری اسلامی محورهای مهمی هستند که سؤالات چالش برانگیزی نیز حول آنها شکل می گیرد. بنابراین، کتاب حاضر تلاش کرده با پاسخگویی موجز به این سؤالات، در درجه اول گامی ابتدایی برای شناخت عمیق تر از نیروی قدس بردارد. گام بعدی این کتاب ممارست برای باز کردن دریای وسع تولید ادبیات استراتژیک در راستای اعمال قدرت و مهار اوجاج های درون سیستم جمهوری اسلامی ایران با محوریت عملکرد نیروی قدس است.